

لاغر و پرده نشین است چو گفتار و حید هر که در هجر بتسیم بدن میماند  
 خضراز آب بقا زنده کجا خواهد ماند زنده آن است کراو آب سخن میماند  
 «ترانه در بیات اصفهان»

بگل بلبلی گفتا بچمن		که ای عاشق بر روی تو من
مشو یار اغیار	* * *	مکن ستم بر یار
بلبل از عشق گل	* * *	در سوز و فغان
گل برغم بلبلی	* * *	در پهلوی خار
	* * *	

باخنده گل داد این جواب	* * *	به بلبلی
تو عاشقی بر کام دل	* * *	نه بر گل
دست گلچین چو گردد گل آزار		
پاسبان حسن گل باشد خار		
گل از آن تنها باخار باشد یار		



## چند کلمه را جمع به موسیقی ایرانی

قضیه ذیل مربوط به چند سال قبل است:

شخصی که در مقابل من قرار گرفته بود نایب یکی از سفارتخانه ها بود که اصلاح کرده و لباسی مطابق آخرین مد در بر داشت

مشارالیه پس از معرفی خود بموضوع ملاقات پرداخته اظهار داشت که قبل از عزیمت بطهران مدت مدیدی از روی منابع فرانسوی و آلمانی و انگلیسی به تحقیقات

در صنایع شرقی اشتغال داشته و اینک بالاخره موقع آن رسیده که از تحقیقات نظری به مطالعات عملی پردازد

بعد از من خواهش نمود که از مساعدت ناوی در استماع موسیقی ایرانی مضایقه نکنم من جواب دادم که از مساعدت با مستشرق عالم کمال خوشوقتی را خواهم داشت بعد در روز و ساعت معین من و خیره نظری جدید الورد وارد خانه مرحوم درویش خان ساز زن معروف شدیم مرحوم درویش خان حسب معمول تار بدست و بر روی قالیچه کوچکی نشسته بود .

پس از تعارفات معموله فقید مرحوم پیش در آمدی را که بتازکی تصنیف کرده بود با چند قطعه دیگر نواخت استاد مرحوم در آنروز خصوصاً بایک مهارت فوق العاده و ذوق خاصی ساز میزد . وقتی که از خانه درویش خان خارج شدیم من دیدم که شرق شناس خبره ما قیافه افسرده دارد بعد رو بمن کرده پرسید : حقیقتاً درویش خان همین بود در جواب گفتم بلی کسیکه در مقابل شما نشسته و ساز میزد همان درویش خان معروف و مایه افتخار ایران است .

مستشرق اروپائی در جوابم چنین گفت : ولی همقطار عزیز درویش خان شما فاقد سامعه موسیقی است ساز را غلط مینواخت و من حقیقتاً انتظار دیگری داشتم . من در مقابل این اظهارات عصبانی شدم ولی فوراً خود داری کردم زیرا بخاطر آوردم که همصحبت من شخصی است که از طفولیت به شنیدن پرده های ساز اروپائی عادت کرده و گوش او نمیتواند ریزه کاریها را که در موسیقی ایرانی فراوان است تشخیص بدهد



تفصیل واقعه ناگواری که برای يك نفر مستشرق اتفاق افتاد « من بجای مقدمه موضوع نگارش خود نوشتم تا ثابت کنم که برای يك نفر اروپائی که به آهنگ موسیقی خود عادت کرده است درك و دانستن قیمت ریزه کاریهای موسیقی شرقی تا چه اندازه مشکل میباشد

از صنایع شرقی هیکدام آنها مثل موسیقی تا این درجه با صنایع غرب فرق ندارد. ذیلاً برای خوانندگان محترم کاملاً واضح و مبرهن خواهد شد که تصنیفات موسیقی دانهای معروف دنیا مانند سن سانس، ریمسکی کورساکف، رونبشتین و غیره که بعنوان نمونه های موسیقی شرقی همیشه مایه حظ و حیرت مستمعین بوده و هنوز هم هست **ابداً مناسبی با موسیقی شرقی ندارد بلکه این تصنیفات که به تصنیفات شرقی موسوم شده همان موسیقی خالص اروپائی است که فقط موضوعهای شرقی را باهنگ اروپائی در آورده اند**

شما در سمساریهای لاله زار گاهی قالیچه های کرمان و حیرت آوری از حیث زیبایی مشاهده می کنید ولی وقتی نزدیکتر میروید می بینید که این قالیچه هارا در کارخانجات اروپا با ماشین بافته اند و قیمت آنها بیش از چند تومان نیست البته منتقدین غربی مرا عفو خواهند فرمود ولی هر وقت من به این قالیچه ها نگاه میکنم بی اختیار بخاطر میاورم که ارزش موسیقی شرقی مصنفین اروپائی بیش از قالیچه های اروپائی نیست

شما اگر این تصنیفات شرقی موسیقی دانهای اروپائی را در حضور یکنفر موسیقی دان ایرانی بنوازید شاید بالاخره محض رعایت ادب و نزاکت بگوید که « بعضی آهنگ های ان تا يك درجه باهنگ های ایرانی شباهت دارد »

یکی از تارزنهای ایرانی آقای عبدالله خان که اتیه خوبی نوید میدهد بمن اظهار

نمود که ساختمان پیانوی اروپائی بسیار فقیر است پرده های زیبایی که در موسیقی ما وجود دارد و بدون آنها بیان سوز دل و حزن شرقی و فرح آتشین بیسر نیست در پیانو دیده نمیشود در آوازی که شما الساعه برای من نواختید پرده را گرفتید که شما «لاویز» مینامید این پرده تأثیری نمی بخشد ولی اگر پرده ایرانی را که بالاتر از «لاویز» و پائین تر از «سی» شما است میگرفتید همین پرده حزنی در دل مستمعین تولید میکرد

هنگامیکه يك نفر تار زن ایرانی یکی از هفت دستگاه و یا آهنگ های ملی را! شور- ماهور- نوا- سگاه- چهاره گاه است پنجگاه- همایون را مینوازد تار را بشکلی کوك می کند که بین ۱۲ نیم پرده اروپائی پنج ربع پرده هم داخل میکند بنابراین بین دو پرده «دو» تقسیمات هفده گانه ذیل را خواهیم داشت

۱- دو ۲- دو دیز ۳- ره ۴- ره دیز ۵- ره دیز × ۶- می ۷- فا  
۸- فادیز ۹- فادیز × ۱۰- سول ۱۱- سول دیز ۱۲- سول دیز × ۱۳- لا  
۱۴- لادیز ۱۵- لادیز × ۱۶- سی ۱۷- دو

تبره: علامت × پرده را که بکریم بالا رفته نشان می دهد

از اینجا معلوم میشود که نوت نویسی آهنگ های ایرانی در مبنای «گام دیاتونیک» ماچه تأثیرات عجیبی در سامعه موسیقی دان ایرانی خواهد بخشید متأسفانه مبرزترین موسیقی دانهای اروپائی که طرز معروف شرقی را ایجاد کرده اند يك همچو نظر سطحی نسبت به موسیقی شرقی اختیار نموده و بالاخره از روی بیسوادی دچار اشتباه فاحشی شده اند

ممکن است به من اعتراض کنند که در تئوری اروپائی موسیقی هم اجزائی کوچکتر از نیم پرده وجود دارد و ممکن است اشعار بدانند که در تئوری فرقی بین «دودیز» و «ره بمول» موجود میباشد راست است در تئوری موسیقی فرقی هست ولی در عمل

گوش اروپائی باندازهٔ ساختمان ماشین پیانو عادت گرفته که نه مستمع و نه سازنده (حتی در حین نواختن آلات باسیم) این فرق را ملتفت نمیشوند

پس سبب چیست که دنیای علمی مستشرقین که این همه آثار گرانبھائی در رشتهٔ تاریخ صنایع شرقی بوجود آورده‌اند توجه ناچیزی به موسیقی شرقی معطوف داشته‌اند؟

آیا چه علتی درکار بوده که بهترین مصنفین موسیقی اروپائی بدون هیچگونه تعارف‌قیدی با مرواریدهای موسیقی شرقی اینطور معامله کرده‌اند؟

بالاخره چه باعث شده که اساتید علم موسیقی برای تعلیم نظم آهنگ‌های شرقی طریقهٔ اتخاذ نکرده و حتی اصول تئوری موسیقی شرقی را هم معلوم نساخته‌اند؟

جهت اینست که موسیقی شرقی از نوت نویسی بی‌خبر است

ما بهترین تصنیفات موسیقی شرقی را بهمان شکلی میشنویم که ساززنهای کنونی ایران از معلم‌های خود آموخته‌اند

مثلاً آواز زیبای ملی سه‌گانه و یا چهارگانه نزد ما فقط بشکلی معروف است که ساززنها از معلمین خود آموخته و حفظ کرده‌اند ما نمیدانیم که سه‌گانه را در پنجاه شصت سال قبل چگونه می‌نواختند

بنابراین شاید عالیترین قطعه‌های موسیقی ایرانی با اتفاق کسانی که مصنف این قطعات بودند در زیر خاک مدفون شده چنانکه بسیاری از تصنیفات مرحوم درویش خان که در چندی قبل فوت کرده از دست موسیقی ایرانی بیرون رفت

امروزه ایرانیها نوت نویسی مخصوصی ندارند

ضایعاتی که از این راه متوجه صنایع ایران شده و میشود از عده تصور

خارج است

شماره در های یتیمی که بواسطه عدم ضبط الی الابد از گنجینه موسیقی ایرانی بیرون رفته به تصور نیاید چه قطعاتی که نواخ موسیقی و اساتید صاحب قریحه بوجود آورده بودند و بطوری از بین رفته که دیگر برگشتی برای آنها متصور نیست و حال آنکه ممکن بود قطعات مزبوره شالوده محکمی برای توسعه دائره موسیقی واقع گردد

ولی هنوز موسیقی از دست نرفته هنوز در حافظه بعضی موسیقی دانها آثاری از موسیقی کلاسیک ایرانی باقیمانده هنوز سازندگان ایران دستگاههای ملی مانند شور و ماهور و همایون و سه گاه و غیره را مینوازند شاید مثل سابق نتوانند ولی در هر حال این اهنگ ها باقی است و باید تا از دست نرفته در ضبط و حفظ آنها کوشید این قضیه باید مورد توجه واقع بشود باید بهترین آلات ضبط اروپائی وارد کرد تا هم اکنون موسیقی را ضبط کند و شاید از این مدت مسئله نوت نویسی هم حل بشود

این امر قابل تعویق نیست و باید فوراً بدان اقدام نمود تا هوس فرنگی مآبی مهنگ بعضی موسیقی دانهای ایران قطعات باقیمانده آثار اساتید موسیقی را از بین نبرده است باید در انجام این امر تعجیل نمود

باید کسانی که موسیقی ایرانی را گرامی و عزیز میدانند پیشقدم شده جمعیتی تشکیل بدهند که این قضیه را بطور جامع الاطرافی تحت مطالعه قرار بدهند

در خاتمه اجازه میخواهم که مختصری در باب شیوع گرامافون در ایران که در این اواخر مورد مطالعاتی در جراید واقع شده بنگارم

مسلم است که رواج موسیقی در ایران که تا کنون فقط موسیقی دانهای متخصص و معدودی از دوستاران بدان دسترس داشتند و همچنین پر کردن صفحات گرامافون که از چندی قبل شروع شده است عامل مهمی برای پیشرفت و ترقی موسیقی ایرانی

میباشند متأسفانه بعضی از جراید ایران در این مسئله رویه مضری اتخاذ کرده اند البته بر علیه شیوع گرامافون در ایران و یا بر له منع ورود گرامافون شایسته نیست نگارستانی درج بشود چه این قبیل نگارشات بی شباهت بدان نخواهد بود که از منع ورود رادیو و یا ماشینهای لازمه الکتریکی و یا لامپهای الکتریکی و غیره گفتگو کنیم

برعکس باید ورود و شیوع گرامافون و هم پر کردن صفحات ایرانی را تهنیت گفت و تشویق کرد ولی در عین اینکه ترقی صنایع ملی تشویق میشود باید بر علیه نهنگ های خارجی و تجاری انصافی که از این راه مبالغ خطیری نفع میبرند اقدامات لازمه بعمل آید اگر خود وزارت معارف ایران دستگاهی برای پر کردن صفحه وارد میکرد و بعد بتوسط سفرای ایران مقیم ممالک خارجه قراری با یکی از کارخانجات صفحه سازی میداد در این صورت ممکن بود که ما در طهران صفحات ملوک خانم و قمر خانم و سایر ارباب موسیقی را در مقابل سه قران تحصیل کنیم زیرا دستگاه صفحه پر کردن گران نیست و شاید هر صفحه بچند شاهی تمام بشود و اگر سفارش عمده برای تهیه کردن صفحه داده بشود کارخانه خارجی ممکن است برای هر صفحه بیش از سی شاهی مطالبه نکند بنا بر این با مخارج حمل و نقل وزارت معارف میتواند هر صفحه را در ایران به سه قران بفروشد علاوه بر آن اقدام فوق خوانندگان و سازندگان را از حیث حقوقی که لایق مقام آنان و بمراتب عالیتر از حقوقی خواهد بود که معامله گران استفاده چی خارجی پیشنهاد میکنند تامین خواهد کرد

رئیس سابق مدرسه موسیقی تفلیس سن آرا کلیان



نویسنده مقاله فوق مسیو آرا کلیان از اشخاص با ذوق و عاشقان موسیقی است معزی علیه در رشته موسیقی اروپائی صاحب معلومات عالییه و مخصوصا در نواختن ویولونچل از صنعتگران زبردست و ماهر بشمار میرود در عین حال شیفته موسیقی ایرانی

و معتقد است که مقام موسیقی ملی ایران بالاتر از اروپائی است از قراریکه اطلاع دادیم ایشان در دو سال قبل در سدد بر آمدند که موسیقی خالص ایرانی را برشته نوت در آورند و برای اجرای این مقصود نزد آقای عبدالله خان تبریزی که از شاگردان مرحوم اقا حسینقلی و ساز زنهای قابل است آواز دشتی را بنوت در آوردند ما باطلب توجه علاقمندان موسیقی ایرانی بمندرجات مقاله فوق امید داریم که مسیوآرا کلیان رشته نوت نویسی موسیقی ملی ایران را تعقیب کرده و موسیقی حقیقی ما را بارویائیها بشناسانند

وحید

## اثار انجمن ادبی ایران

بخواهش یکی از اساتید فن موسیقی يك غزل اخلاقی برای خواندن در نمایش ساخته شد و چون تناسب با اخلاق آوازه خوان نمایش نداشت خوشبختانه در آنجا خوانده نشد ولی در انجمن ادبی مطرح و دانشمند آن با استقبال یرداختند و اینك آن غزل با آنچه ساخته شده است در استقبال آن درج میشود

### غزل

مه بگرد رخت ای مهر فروزان نرسد  
گر بر رخ گداز آرایش دوران نرسد  
پرده زشت است بر آن طلعت زبیا که تراست  
همچو خورشید اگر دست بدامان نرسد  
با چنین خنده لب پرده چو گل باور نیست  
دست گلچین بگل خرم و خندان نرسد  
برگشایند گریبان و چو گل خرم باش  
اگر دست تطاول بگیربان نرسد  
یاك شوياك که هرگز بعزیزی در مصر  
باشد آلوده اگر یوسف کنعان نرسد  
دلبر سنگدل و شیشه پیمان در دل  
سنگ سخت است که بر شیشه پیمان نرسد  
جان فدای رخ یاری که بدامان لبش  
دست توصیف توانای سخندان نرسد  
گشتم و وصل پس از هجر رسد گهت (وحید)  
میرسد آری اگر عمر پایان نرسد